

# رژیم فاشیستی ایران در تقابل با زنان آزاده

## «خیابان‌ها شبیه میدان جنگ است»

حدود ۲ سالی است که رژیم زن ستیز ایران ستادی به نام ستاد عفاف و حجاب را در جایی بی نام و نشان سازمان داده است که وظیفه‌اش پوشش دادن به تمام ۳۰ نهاد کنترل پوشش زنان در جامعه است. این ستاد موظف است همه این نهادها را روی یک سیاست واحد متمرکز و متحد نماید. نیروی اجرائی این نهادها نیز گشت ارشاد است. این گشت مجاز است به همه سوراخ سمبه‌ها سربکشد. حریم خصوصی خانواده‌ها را بشکند، به خانه‌ها وارد شود، به مراسم عزا و میهمانی‌ها و جشن‌ها وارد شود، برای "بد حجاب‌ها" پوشش‌های اقتصادی و سیاسی درست کند. و زنان "بد حجاب" را توقیف نماید، با خود ببرد، یا در همان ماشین به قتل برساند. به طور فشرده، وظیفه گشت ارشاد تحقیر زنان جامعه ما تا حد به قتل رساندن آنهاست.

از چند هفته پیش تا کنون شدت عمل نیروهای سرکوب رژیم در شکل گشت ارشاد ابعاد بی سابقه‌ای یافته است. "شخصیت‌های رژیم هم یک به یک پشت میکرفون پشتیبانی خود را از این فجایع اعلام می‌کنند.

در ۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ احمد رضا رادان، فرمانده انتظامی ایران در شهر قم گفت: «هیچ اراده‌ای، تهمتی، اقتزائی، هیچ سرزنشی و شماتتی ما را از این راه پر فیضی که حضرت حق در برابرمان قرار داده به عقب نخواهد راند ... بنده رسماً اعلام می‌کنم، رسماً بدانید ما موضوع حجاب و عفاف را یک موضوع کاملاً فرهنگی و کاملاً اجتماعی می‌بینیم، اصلاً انتظامی و امنیتی نمی‌بینیم.» احمد خاتمی در نماز جمعه ۷ اردیبهشت ۱۴۰۳ تهران می‌گوید: «به زور کسی را به بهشت نمی‌بریم، اما جلوی ناهنجاری خواهیم ایستاد.»

او در نماز جمعه می‌گوید: «حجاب از ضروریات دین است بی حجابی خلاف شرع و قانون است.» مواضع فوق خیلی متضاد و افشا کننده است. رادان می‌گوید که هیچ اراده‌ای نمی‌تواند آنها را در تقابل با بدحجابی مانع شود. یعنی اگر بد حجاب بر بد حجابی خود اصرار ورزد، او را دستگیر و زندانی می‌کنند، به محاکمه می‌کشانند، تحت شکنجه قرار می‌دهند و به قتل می‌رسانند. اراده جناب رادان همانند اراده رژیم زن ستیز و فاسد جمهوری اسلامی این چنین است.

رادان برای تحمیق مردم می‌گوید حجاب و عفاف یک امر فرهنگی و اجتماعی است. یعنی کار توضیحی و دمکراتیک برای آن لازم است. در این صورت گشت ارشاد و درگیری با زنان و مردمی که به تهاجم آنها به زنان اعتراض می‌کنند چیست؟ پلمپ صدها رستوران و چایخانه و شیرینی فروشی و مؤسسات فرهنگی، جریمه زنان "بدحجاب" و تصرف ماشین زنان "بد حجاب راننده"، برای چیست؟ احمد خاتمی سیاست فاشیست‌های ایران را به روشنی بیان می‌کند: «حجاب از ضروریات دین است بی حجابی خلاف شرع و قانون است.» از نظر ایشان "بد حجاب" ضد دین و ضد قانون است در نتیجه باید طبق قانون سرکوب شود.

رژیم فاشیستی ایران از ۲۵ فروردین ۱۴۰۳ اقدام به اجرای "طرح نور" نمود. فرمانده سپاه محمد رسول الله تهران به روشنی به ما می‌گوید که طرح نور چیست: نیروهای آموزش دیده سپاه و بسیج با عنوان "سفیران مهر" به خیابان‌ها می‌ریزند «تا رعایت "قانون" حجاب اجباری را "به صورت جدی‌تر در میان اصناف، ادارات، بازار، معابر، بوستان‌ها، تفرجگاه‌ها و حمل و نقل عمومی تهران پی‌گیری" کنند.» (رادپو فردا)

"طرح نور" باید در کلیه ابعاد و زوایای جامعه کنترل خود را عملی کند، در ادارات، مدارس، دانشگاه‌ها، آنجائهایی که عده‌ای جمع می‌شوند مثل پارک‌ها، میهمانی‌ها و جشن‌ها و عزاداری‌ها و... به ویژه محمد حسین پورثانی معاون وزیر آموزش و پرورش به اجرای این طرح در مدارس تکیه کرد. او در عین حال گفت «۱۶ طرح عفاف و حجاب در مدارس در حال اجرا است.» به بیان دیگر فشار خرد کننده نظامی امنیتی، کودکان به ویژه دختران ما را زیر خود به جان آورده است.

گشت ارشاد دارای شاخک‌ها و زوائد متعددی است. یکی از این شاخک‌ها "حجاب بانان" هستند. زنان محجبه و فاشیستی که در خیابان‌ها و متروها در حالی که افرادی از نیروهای مسلح دنبال آن‌ها راه افتاده‌اند، مزاحم هر دختر و زنی هستند که پوششان به اصطلاح غیر شرعی است.

از ۲۵ فروردین برخورد نیروهای انتظامی و حجاب بانان با دختران و زنان "بد حجاب" بسیار خشونت‌بار و غیر انسانی گشته است. آن‌ها زن مورد نظر را دوره می‌کنند، با مشت و لگد به جانش می‌افتند، او را مضروب می‌کنند و کشان کشان به ماشین گشت می‌کشاند و به نقطه نامعلومی می‌برند.

علاوه بر آن این زنان مورد اتهامات امنیتی قرار می‌گیرند. حسن زاده زن بد حجاب را در رابطه با "دشمنان" و "سرویس‌های اطلاعاتی غربی" معرفی می‌کند تا "دادگاه" اسلامی بتواند با احکام ظالمانه در مورد آن زن در دیگر زنان ترس و وحشت ایجاد کند.

در بین کلیه کشورهای جهان جمهوری اسلامی در اعدام زنان مقام اول را داراست. بر اساس گزارش سازمان حقوق بشر ایران، رژیم جمهوری اسلامی در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ میلادی، دست‌کم ۲۱۰ زن را اعدام کرده است.» در عین حال در سال ۲۰۲۳، ۲۲ زن در ایران اعدام شده‌اند (سایت کومله)

یکی دیگر از واقعیت‌های هولناک دوران رژیم جمهوری اسلامی این است که هیچ مردی که زن خود را به قتل رسانده است محکوم به اعدام نشده است. ولی اکثر زنانی که تحت فشارهای خانوادگی و نظام مردسالار در خانواده، و در شرایطی که هیچ قانونی از آن‌ها در مقابل خشونت خانوادگی دفاع نمی‌کند، شوهر خود را به قتل رسانده‌اند، اعدام شده‌اند. این امر ناشی از وجود چند فاکتور در رژیم جمهوری اسلامی است

۱- ایران یک جامعه مردسالار است. به طور "قانونی" مردان سروران زنان هستند.

۲- حاکمیت در ایران، یک حاکمیت سرمایه‌داری دینی‌ست با مذهب شیعه. در این مذهب زن نصف مرد ارزش دارد. اگر زنی شوهر خود را بکشد، باید دو بار اعدام شود ولی اگر مردی زن خود را بکشد، برای قصاص باید نیمی از ارزش شوهر که با ارزش شتر محاسبه می‌شود، از طرف خانواده زن به خانواده شوهرش پرداخت شود تا بتواند قصاص اجرا گردد.

۳- تحت این رژیم حتی اگر بند دوم کاملاً مهیا گردد، فشار تهدید و ارعاب بر خانواده زن مانع اجرای قصاص مرد می‌شود.

در عین حال بسیاری از زنان به اتهام رابطه با گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی در اپوزیسیون اعدام شده‌اند. و اخیراً نیز شریفه محمدی، پخشا عزیز، و ریشه مرادی را با همین اتهام به مرگ محکوم کرده‌اند.

رژیم ایران به هر وسیله‌ای چنگ می‌اندازد تا زنان را از اجتماع فعال بیرون راند و در خانه‌ها محبوس نماید. اخیراً محمد طیب صحرائی، استنادار کرمانشاه بر «ممنوعیت قانونی داشتن منشی غیر همجنس» در ادارات تاکید کرد و خواستار اجرای آن شد. بدین ترتیب ده‌ها هزار زنی که به منشی‌گری در ادارات مشغول هستند و نان بخور و نمیری درمی‌آورند، بیکار گشته و در خانه‌ها محبوس می‌گردند. این ظلم بی انتها باعث تشدید جنگ در خیابان‌ها خواهد گشت.

امروزه خیابان‌های تهران و دیگر شهرهای ایران شاهد درگیری وسیع نیروهای امنیتی در شکل گشت ارشاد، حجاب بانان و دیگر شاخه‌های فشار بر زنان با زنان شجاع، پر امید و نیروئی هستند که بی عدالتی و ظلم را بر نمی‌تابند. خیابان‌ها صحنه‌های درگیری مردان آزاده‌ایست که به پشتیبانی از زنان درگیر با نیروهای امنیتی، برخاسته‌اند. خیابان‌ها فی‌الواقع میدان جنگ زنان و مردان قهرمان علیه نیروهای زوال‌یابنده و تاریک اندیش است. باید در این نبرد شرکت کنیم.

رژیم فاشیستی و زن ستیز ایران اساساً قادر نیست یک مسأله اساسی را بفهمد و آن این که سرکوب، مقاومت ایجاد می‌کند. مقاومت همبستگی و اتحاد را به بار می‌آورد و اتحاد زمینه انقلاب را فراهم می‌کند.

اعمال تشدید فشار بر زنان آزاده کشورمان، تضادهای درونی حاکمین را نیز تشدید می‌کند. زیرا بر اصل اساسی مورد قبول همان جناح‌های درون حاکمیت، یعنی "اصل ماندگاری بورژوازی مذهبی بر قدرت"، نظرات متفاوتی ابراز می‌شود. نظر حاکم در اصل ماندگاری، اعمال قدرت نظامی بر مردم است. این جناح ادامه حاکمیت خود را بر سرکوب مردم می‌بیند. جناح دیگر ادامه حاکمیت خود را بر قدری مماشات با مردم ارزیابی می‌کند: دادن برخی آوانس‌های جزئی. مثلاً محمد صالح هاشمی گلپایگانی، دبیر برکنار شده ستاد امر به معروف و نهی از منکر، می‌گوید که اعمال "قهر" در مورد حجاب جواب نمی‌دهد. باید روش‌های دیگری در پیش گرفت.

با وجود همه اشکال سرکوب علیه زنان و علیه مردانی که در خیابان‌ها از زنان پشتیبانی می‌کنند، هیچ‌گاه خیابان‌ها و اماکن عمومی در ایران تا به این اندازه زنان "بدحجاب" را به خود ندیده است. این موج عظیم مقاومت است. موجیست که زنان را به قله مبارزات آزادیخواهانه امروزه کشور ما می‌رساند. ما موظف هستیم با این موج همراه شویم و به لحاظ عملی به پشتیبانی از زنانی برخیزیم که آشکارا تحت سرکوب، مقاومت می‌کنند.

لنین می‌گوید: «تا زمانی که تمام نیمی از بشریت کارکن، زن کارگر، حقوق مساوی با مرد نداشته باشد، تا زمانی که با او در کار خانه و در خانواده مثل یک برده رفتار می‌شود، پیروزی سوسیالیسم غیر ممکن است.»

در واقع سرمایه‌داری مذهبی ایران با به بند کشیدن زنان در جامعه، خانواده، در کارخانه و مؤسسات عمومی، خود و خرده بورژوازی مرفه را آنچنان تربیت می‌کند که برکندن این فساد از طرف طبقه کارگر با مشکلات عدیده‌ای رو به رو گردد. آن‌ها می‌خواهند راه رسیدن به سوسیالیسم و ساختمان سوسیالیسم را از حالا با مشکلات عدیده‌ای رو به رو کنند. ولی مبارزه سیاسی - فرهنگی زنان قهرمان کشورمان، مبارزه پشتیبانانه مردان آزاده از زنان علیه ظلم و ستم، راه طبقه کارگر و متحدین با ثبات‌اش را به سوسیالیسم هموار خواهد کرد.

نظم کمونیستی

15.8.2024